

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# گر خواجه شفاعت نکند روز قیامت

مؤلف: سید حسن موسوی خراسانی

مرکز پخش: ۰۷۱۴۴۳۳۲۶۹۲



## فهرست:

فهرست: ..... ۵

مقدمه ..... ۹

۱. او حریص بر هدایت مردم بود: ..... ۱۱

۲. او اخلاقی عظیم داشت: ..... ۱۳

۳. او مهربان بود: ..... ۱۷

۴. او الگو بود: ..... ۲۰

۵. او حقگو بود: ..... ۲۴

۶. او ظرفیت داشت: ..... ۲۷

۷. او اهل ایثار بود: ..... ۳۳

۸. او متواضع بود: ..... ۳۷

۹. او عادل بود: ..... ۴۲

۱۰. او با حیاء بود: ..... ۴۷

۱۱. او دشمن شناس بود: ..... ۵۳

۱۲. او پیشوای ورع پیشگان بود: ..... ۵۸

۱۳. او ساده زیست بود: ..... ۶۳

بخش دوم ..... ۶۷

- ۶۷ ..... اسلام از دیدگاه اندیشمندان
- ۶۸ ..... خدا از دیدگاه اندیشمندان جهان
- ۷۲ ..... پیامبر ما از دیدگاه اندیشمندان جهان
- ۷۴ ..... قرآن از دیدگاه آنان
- ۷۷ ..... علم اخلاق پیامبر ما از دیدگاه آنان
- ۸۰ ..... کتاب و قلم ما از دیدگاه آنان
- ۸۶ ..... اکتشافات و اختراعات مسلمین





## مقدمه

چه می‌خواست و چه شد؟ این یک سخن رایجی است که وقتی افرادی نتیجه‌ای دلخواه از کارشان را نگرفتند بر زبان می‌رانند در این نوشته بدون مقدمه می‌خواهیم به این مطلب پردازیم که سیره و روش پیامبر ﷺ چه بود و سیره امت او چگونه است؟ او از امتش چه توقعی داشت و امتش چگونه‌اند و خلاصه او به عنوان رهبر چگونه زندگی کرد و ما به عنوان رهرو چگونه؟

البته معنای این مقدمه این نیست که جامعه مایوس شود و یا در مسیر خویش احساس تنهایی و اقلیت کند بلکه اگر بنا باشد مثبت‌های امت رسول الله ﷺ در جهان معاصر را ببینیم نکته‌هایی هستند که در تمامی جهان بی‌ظنند اما در



این جا بحث بر سر تفاوت‌هایی که بین گفته و اعمال  
پیامبر ﷺ و رفتار امت او موجود است می‌باشد.



## ۱. او حریص بر هدایت مردم بود:

حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ<sup>۱</sup>

اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان

رئوف و مهربان است.

او برای دین خدا جنگ‌هایی کرد که میانگین آن در هر پنجاه و پنج روز از عمر شریفش یک جنگ بود که برای دفاع از حریم اسلام نوپا گرفتارش بود برای دین خدا سنگ به پیشانی مبارکش خورد و او را مجنون و ساحر خوانده از شهر و زادگاهش بیرون کردند و هزاران مشکل دیگر.

**ولی ما:** دینی را می‌پسندیم که به زندگی بی‌قید و بند ما صدمه‌ای وارد نکند. به مال و ثروت ما از هر طریقی



که بخواهیم درآمدی کسب کنیم و در هر مسیری  
بخواهیم خرج کنیم کاری نداشته باشد. از ربا خواری ما  
جلوگیری نکند، غش در معامله برایمان بی مانع باشد،  
خوردن مال صغیر و فقیر و یتیم و مسکین بی اشکال  
باشد، بی بند و باری و بد حجابی منعی نداشته باشد، از  
غیبت و تهمت و افتراء ممانعت نشود با ملت کفر و ظلم  
ارتباط داشتن ناپسند نباشد و هزارن نکته دیگر...

در حالی که اینها جز خسران و نکبت برایمان چه در  
این دنیا و چه در آخرت چیزی باقی نمی گذارد.  
و او که به زیر و بم عالم آگاه است بهترین برنامه های  
سعادت انسان را برایمان بیان نمود و به یادگار گذاشت.



## ۲. او اخلاقی عظیم داشت:

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ۱

تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.

او با مردمی که برخوردی جاهلانه و مغرورانه داشتند با نرمی و ملاحظت برخورد کرد با دشمنانش برخوردی مهربانانه داشت به نحوی که دشمن را جذب دین می‌کرد شخصی که با گستاخی به آن حضرت لقب ابتر داده بود و حضرت او را که روی زمین خوابیده و درخواست شعرخوانی داشت را مورد مهربانی قرار داد و سر او که خوابش برده بود را روی زانویش گذاشت و وقتی بیدار شد



این صحنه را دید و شرمنده محبت پیامبر ﷺ شد اسلام را  
اختیار نمود و مسلمان شد.

گفته‌اند افرادی که با رفتار پیامبر به اسلام روی آورده‌اند  
بمراتب بیشتر از کسانی هستند که با کلام آن حضرت  
مسلمان شده‌اند.

**ولی ما:** رفتاری داریم که اگر غیر مسلمانان به کردار ما  
بنگرند هرگز جذب اسلام نمی‌شوند مگر اینکه اسلام را از  
قانون و قرآن بشناسند گهگاهی بعضی از مذهبی‌های امت  
پیغمبر دافعه‌ای بیش از جاذبه دارند و چهره زیبای دین را  
با ماسک خشن خود زشت و ناپسند معرفی می‌کنند، گاهی  
با امتیازات پوشالی و فخر فروشی‌های بیجا بر دیگران  
مباهات می‌کنیم جواب زن و فرزند، زیر دستان در اداره،  
فقراء و مستمندان و... را نمی‌دهیم و گاهی با زورگویی در

محیط خانه با شعار «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» آبروی پیامبری که بهترین روش را در محیط خانه داشت می‌بریم پیامبر ما روشی داشت که کسی نتوانست زودتر از او بر او سلام کند ولی بخاطر کمی ظرفیت‌مان جواب بسیاری از سلام‌ها را نمی‌دهیم. پیامبر ما روشی داشت که در جمعی که می‌نشست همانند افراد اشرافی و متکبر نمی‌نشست و اگر کسی حلقه نشست آنان را می‌دید و پیامبر را نمی‌شناخت باید سؤال می‌کرد که؛ أَيُّكُمْ مُحَمَّدٌ ﷺ؟ کدامتان محمد و فرستاده الهی هستید؟!.

**ولی ما:** که امت اوئیم و باید از رفتار او الگو بگیریم با گرفتن یک مسئولیت کوچک در یک اداره‌ای، دربان و مستخدم و مراقب و دفترچه تنظیم وقت تهیه می‌کنیم!؟

رسول خدا ﷺ هم صاحب خلق و جمال زیبا و هم خلق و اخلاقیات پسندیده بود خلق نیکو در مواقع حساس زندگی بروز و ظهور پیدا می کند و رسول اکرم ﷺ در تمامی مراحل زندگی در معرض خوشحالی ها و غصه های فراوانی بود و در هیچ کدام از این مواقع سخنی بر خلاف رضای خدا نگفت او در برخورد با دشمنانی که به او عقل کل است تهمت جنون و ساحر بودن زدند با وقار و متانت برخورد کرد و نمره اخلاق را از خدای بزرگ در آیه فوق گرفت، می گویند آمار افرادی که با روش و اخلاق پیامبر به دین اسلام گرویدند بمراتب بیشتر از کسانی است که با سخنرانی حضرت و این درسی است که بما می گوید با اعمالتان دعوت به اسلام و دین نمائید.



### ۳. او مهربان بود:

بِالْمُؤْمِنِينَ رَوْفٌ رَحِيمٌ<sup>۱</sup>

به مؤمنان رُؤف و مهربان است.

کسی در محضر او خواست سخن بگوید زبانش به لکنت افتاد و حضرت برای اینکه او آرام بگیرد فرمود: من همشهری تو فرزند عبدالله هستم مادرم همچون مادر تو شیر بز می‌دوشت و من مانند تو به چوپانی مشغولم! طرف با شنیدن این سخنان خودمانی احساس آرامش کرد و راحت سخنانش را شروع کرد.

ولی ما: از طرفی تهمت خشونت به دین او می‌زینم یا تهمت را می‌شنویم و نمی‌توانیم دفاع کنیم و یا از کنارش

---

۱. سوره توبه، ۱۲۸.

بی تفاوت عبور می‌کنیم و علاوه بر اینها اینکه در زندگی فردی یا اجتماعی خود، اخلاق خشنی نشان می‌دهیم و آنانی که می‌خواهند اسلام را از چهره ما بشناسند به اصل دین بدبین می‌شوند یا در محیط خانه به بهانه‌های مختلف بدخلقی نسبت به خانواده و بچه‌ها می‌کنیم و اسلام که یعنی دین پیامبر، را بدنام جلوه می‌دهیم دین اسلامی که وقتی در تشییع جنازه سعد بن معاذ پیامبر شرکت کرد و فرمود ملائکه فراوانی شرکت کردند و این امر باعث شد که مادر سعد بالای قبر پسرش بگوید هَنِئِئاً لَكَ الْجَنَّةُ یعنی پسرم بهشت بر تو گوارا باد. حضرت رسول ﷺ فرمودند: مَهْلًا يَا أُمَّةَ، آرام باش او که دارای این همه فضیلت بود که ملائکه برای تشییع جنازه‌اش آمده‌اند اکنون دچار عذاب قبر شد!

پرسید چرا؟ فرمود: بدان دلیل که در محیط خانه نسبت به خانواده‌اش بد اخلاق بود.

دین پیامبر رحمت را دین شمشیر جلوه دادن با اینکه در تمام دوران مبارک عمر آن حضرت تمامی کشته‌های جنگ به ۱۷۲۴ نفر بیشتر نرسیده است آن هم کشته‌هایی که بنای لجاجت شدید با خدا و دین خدا داشته و قابل هدایت نبودند.

گاهی ازدواج‌های متعدد پیامبر را بهانه تهمت قرار داده‌اند در حالی که رسول خدا جوانی خود را صرف یک ازدواج کرد آنهم در سن ۲۵ سالگی با زنی به نام خدیجه و بقیه ازدواج‌های حضرت که بعد از رحلت حضرت خدیجه صورت گرفت همه از باب رافت و یتیم‌نوازی و بهانه‌ای برای هدایت اقوام مختلف بوده است.



#### ۴. او الگو بود:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ۗ

مسلماناً برای شما در زندگی رسول خدا ﷺ

الگو و سرمشق نیکویی بود.

رسول خدا ﷺ برای بیگانه و خودی الگو بود، در دنیایی که اشرافی‌گری غوغا می‌کرد و مردم به پول و شمشیر و قبیله می‌بالیدند و حتی برای فخر فروشی مانند ابولهب‌ها به مالشان افتخار می‌کردند و عده‌ای هم به افراد قبیله و حتی مردگان‌شان مباحثات می‌کردند و آنقدر این بازی بچگانه را ادامه می‌دادند که در هنگام شمارش قبر نیاکانشان بر سر قبرها دعوا می‌کردند! پیامبر با خلقی زیبا و رفتاری نیکو



تمامی آن اشرافیت‌ها را بی‌ارزش نمود و بلال بی‌پول بد قیافه را رسماً مؤذن خود قرار داد و رهبری مکه را به جوانی ۱۸ ساله سپرد و سرداری جنگ را نیز به جوانی ۲۱ ساله واگذار کرد و صد البته پیران و کهنسالان را نیز تکریم نمود و با یک سخن حکیمانه سفارش دو طیف را نمود و فرمود:

وَ قَرُّوا كِبَارَكُمْ وَ اَرْحَمُوا صِغَارَكُمْ؛<sup>۱</sup> بزرگانتان را تکریم و بر کوچک‌ها رحم کنید.

**ولی ما:** امت آن پیامبریم و همچنان که او الگوی جهانی بود ما نیز باید برای ملت‌های جهان الگو باشیم بعضاً الگو نیستیم و گهگاهی با اعمالمان آبروی آن بزرگوار را از بین می‌بریم، او فرمود: مَنْ عَشَّ مُسْلِمًا

---

۱. اُمالی صدوق، ص: ۹۴.



فَلَيْسَ مِنَّا؛<sup>۱</sup> هر کس غش در معامله کند از ما محسوب نمی‌شود ولی ما راحت جنس خود را با تقلب و تدلیس بفروش می‌رسانیم، او نسبت به جوانان فرمود: اَوْصِيكُمْ بِالشَّبَابِ خَيْرًا؛ به شما سفارش می‌کنم که با جوانان به خوبی برخورد کنید لکن ما سفارش آن حضرت را نادیده انگاشته آنان را به حساب نمی‌آوریم و تماماً به مسائل جسمی جوانانمان توجه می‌کنیم ولی به مسائل روحی و معنوی آنان اندیشه نمی‌کنیم. امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید:

عَجَبٌ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَا كَوْلِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ.<sup>۲</sup>

از او و خط خدائی او می‌توان مسیر زندگی گرفت ولی ما مسلمانان با خلاف‌هائی که انجام داده‌ایم نمی‌توانیم

---

۱. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص: ۲۸۴.

۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص: ۲۸۴.



ادعای الگو بودن در جهان کنیم چرا که در فروش کالا و صنعتمان با دنیا از طریق تقلب وارد شده‌ایم و کالای صادراتی خود را محکم و ماندگار نساخته‌ایم. از کشور رسول خدا جنس تقلبی به دنیا صادر کردیم و با بی‌امانتی خود، آبروی محمد امین صلی الله علیه و آله را زیر سؤال می‌بریم.



## ۵. او حق گو بود:

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ<sup>۱</sup>

هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید  
آنچه می گوید چیزی جز وحی نیست

انسانی همچون او که هم حق را و هم خالق حق را می شناسد سخنی به غیر حق بر زبانش جاری نمی کند در سیره آن بزرگوار آمده است که: *وَلَا يَقُولُ فِي الْغَضَبِ وَ الرُّضَا إِلَّا الْحَقَّ*: در حال غضب و در حال خشنودی جز حق چیزی نمی گفت به حضرتش پیشنهاد دادند که اگر دست از دعوت برداری تو را از تمامی مواهب مادی از قبیل خانه و مرکب و... برخوردار می کنیم و همه چیز در



اختیارت می گذاریم و او فرمود: اگر خورشید را در کف دست راست و ماه را در کف دست چپم قرار دهید تا لحظه‌ای از سخن و عقیده‌ام دست بردارم محال است چنین کنم.

**ولی ما:** که باید همچون آن بزرگوار حق بگوئیم حتی اگر چه به ضررمان بوده و خسارت مادی به سراغمان بیاید در آن جا که منافعمان ایجاب می‌کند حق و باطل گوئی برایمان فرقی نمی‌کند معیار همان منافع است و بس بازار مسلمانان بازاری است که اهل عالم به آن چشم دوخته‌اند تا اسلام را از آن بشناسند ولی همان بهتر که از این دریچه ما را نظاره نکنند چرا که ما نه تنها دروغ می‌گوئیم بلکه برای دروغ، قسم هم می‌خوریم و به این وسیله روزگار می‌گذرانیم مکتب ما مکتبی است که ابوذر می‌پروراند که رسول خدا ﷺ می‌فرماید



آسمان سایه نینداخته است بر کسی که راستگوتر از ابوذر باشد او حتی در خطرناک‌ترین موقعیت زندگی‌اش راست گفت ولی امروز وقتی کالا یا متاعی از کشورمان به دنیا ارسال یا صادر می‌شود در تقلبی بودن یا نبودن آن تردید دارند و با وسواس درباره‌اش تحقیق می‌کنند نکند سرشان را کلاه گذاشته باشیم! پیامبر ما در گذاشتن سنگ لحد داخل قبر محکم کاری می‌کرد و وقتی می‌پرسند که چرا این همه سعی و دقت می‌کنید؟ می‌فرمایند: کار مسلمان یا غیر مسلمان باید محکم باشد و عیبی در آن نباشد اما ما که امت او هستیم کالایمان مرغوبیتی ندارد چرا که دوامی ندارد.

## ۶. او ظرفیت داشت:

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ... إِذَا وَصَفَ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ كَانَ أَجْوَدَ النَّاسِ كَفًّا وَأَجْرًا النَّاسِ صَدْرًا وَأَصْدَقَ النَّاسِ لَهْجَةً وَأَوْفَاهُمْ ذِمَّةً وَالْيَهُودَ عَرِيكَةً وَأَكْرَمَهُمْ عَشْرَةَ مَنْ رَأَاهُ بَدِيهَةً هَابُهُ وَمَنْ خَالَطَهُ مَعْرِفَةً أَحَبَّهُ لَمْ أَرِ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ مِثْلَهُ<sup>۱</sup>

دست و دل بازترین مردم، با جرات‌ترین و راستگوترین و وفاکننده‌ترین و نرمخوترین مردم بود، از نظر قوم و عشیره کریمتر و برتر بود. هر کس او را زیارت می‌کرد در برخورد اول هیبتی بزرگ از وی احساس می‌کرد و چون با وی معاشرت می‌نمود و اخلاق او را می‌شناخت با او محبت پیدا می‌کرد، هرگز پیش از او و بعد از او کسی همانند او ندیده‌ایم.

۱. مکارم الأخلاق، ص: ۱۸.

او که در عالم وجود بزرگترین و در میان انسان‌ها که خود اشرف مخلوقاتند اشرف و اعظم آنان بود را گهگاهی در کوچه و بازار با اهانت‌هایی از قبیل نسبت جنون و جن زدگی و کاهن و ساحر بودن متهم می‌کردند و بر همه اینها صبر می‌کرد و در عین حالی که خودش به شخصیت ممتازش واقف و آگاه بود هرگز بی‌صبر و بی‌طاقت نشد سخنی که خدا را به غضب آورد کلامی که مایه دور شدن مردم از اسلام بشود را بر زبان جاری نکرد تحملی و صف ناشدنی داشت چرا که به راه خود و حق بودن آن آگاهی داشت او برای دعوت مردم به حق به شهر طائف رفت لکن بجای پذیرش حق بچه‌های محله را تحریک کردند به بدن مقدسش سنگ بزنند و از شهر بیرونش کنند!



در کوچه‌های مکه، قُولُوا لا اله الا الله می‌گفت و مردم را به رستگاری دعوت می‌کرد لکن عمویش ابولهب با دامنی پر از سنگ به پشت پای مبارکش می‌زد که بیننده‌ای گفت: زبان پیامبر به حق گویا بود و از پشت پایش خون تازه همچنان جاری! آری او که هر روز با خاکستری که بر سرش می‌ریختند در کوچه پذیرایی می‌شد زمانی که دید شخص مزاحم هر روزه نیامد بسراغش رفت و از او عیادت نمود!

**ولی ما:** ظرفیتی اندک داریم و با کوچکترین مشکلی به اقداماتی مشکل‌تر دست می‌زنیم قهرهای فامیلی، طلاق‌ها، جدال‌های چندین و چند ساله محلی و حتی در مذهب رقابت‌های آنچنانی و هیئت بازی، همه و همه دلیل بر کم ظرفیتی ما می‌باشد، پرونده‌های قطور جنائی در دادگاه‌های



کشور اسلامی قتل و غارت‌های قومی و قبیله‌ای همه و همه از بی‌صبری و عدم توکل ما بر خداست در شرع مقدس به ما گفته‌اند اول صبح که کار خود را آغاز می‌کنید با اعتقاد کامل بگوئید: **أَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ**؛ تمام کارهایم را به خدا می‌سپارم که او به بندگانش بسیار آگاه است. این به خاطر آن است که خداوند در امور روزمره‌ای که در پیش داریم کمکمان نماید.

در دستورات پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مرد عربی که آمد و عرض کرد که من صحرا نشینم و گاهی سالی یکبار بیشتر به مکه و محضر شما نمی‌رسم نصیحتی کنید که حداقل تا یک سال برای من سازندگی داشته باشد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم فرمود: **لَا تَغْضَبْ**<sup>۱</sup>؛ مراقب باش که غضب نکنی، مرد عرب



که در حقیقت با این کلمه کوتاه پیامبر قانع نشده بود خداحافظی کرد و به روستایش برگشت، به محض اینکه به خانه‌اش آمد همسرش باب گلایه از قبیله رقیب را سر داد و گفت: فلان شخصی از آن قبیله به ما توهین کرده است و او هم تحقیق نکرده عصبانی شده و کمر به انتقام بست و حرکت کرد و ندا در داد که قبیله‌اش به کمک بیاید، در یک لحظه دو قبیله در مقابل هم صف آرائی کردند و نزدیک بود که دستور حمله صادر و اینان به جان هم بیفتند و معلوم نیست که عاقبت این خونریزی به کجا بینجامد او در یک لحظه به یاد سفارش کوتاه رسول خدا ﷺ افتاد که فرمود: لا تَغْضِبْ: غضب نکن و به همین خاطر با رئیس قبیله مقابل از در مسالمت سخن آغاز کرد و قضیه به صلح و سازش انجامید. چه بسا جنگ‌های دیرینه‌ای با یک سخن از طرف



و عدم ظرفیت از طرف دیگر شروع می‌شود و سال‌های  
سال به طول می‌انجامد که همه این‌ها بدلیل دوری از  
معارف پیامبر و اهل بیت به سراغمان می‌آیند.





## ۷. او اهل ایثار بود:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ لَمْ يَشْبَعْ مِنْ خُبْزِ الْبُرِّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ<sup>۱</sup>

رسول خدا از نان گندم هرگز سه روز سیر نمی‌شد.

اگر تمامی عمر رسول خدا ﷺ را بخواهیم در یک جمله کوتاه بیان کنیم باید بگوئیم تمامی این عمر ایثار بود زیرا ایثار یعنی گذشت در عین نیازمندی و رسول اکرم اسلام که مانند همه انسان‌ها نیاز به یک زندگی نیمه مرفه دارد تا بتواند با خوراک خوب و مسکن خوب خدمت کند اما در سیره رسول خداست که حتی از نان گندم، خود را سیر نمی‌کند و روزگار خوشی ندارد و بدن مبارکش نیز در معرض خطر و تهدید از سوی دشمنان

---

۱. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص: ۲۸۸.

بود یعنی در حقیقت همچون شمعی می سوخت تا محفل بشریت روشن باشد، به عیادت مریضان می رفت و در تشییع جنازه مردگان حاضر می شد و خلاصه آنقدر برای هدایت مردم تلاش می کرد که خدا می فرمود: من تو را به رسالت مبعوث نکردم که خود را به مشقت بیندازی.<sup>۱</sup>

**ولی ما:** از ایثار و فداکاری فاصله گرفته ایم و با این صفات پسندیده ای که باید پیغمبرمان را معرفی کنیم، معرفی نمی کنیم و اگر وظیفه داریم که آئینه معرفی رهبرمان باشیم نیستیم بلکه به عکس از دنیای غریبه های غربی خط فکری می گیریم و زندگی خشک و بدون عاطفه ایرا پشت سر می گذاریم که در یک ساختمان بزرگ با جمعیتی زیاد از یکدیگر خبری نداریم و با اینکه

در تعالیم دینی آمده است که مسلمانان باید در غیاب یکدیگر از همدیگر دفاع کنند اینچنین نمی‌کنیم و از سفارش اسلام که با اِنْمَا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ باید برادر یکدیگر باشیم فاصله داریم و چون مؤمن نیستیم و در نتیجه هم برادر نیستیم.

رسول خدا ﷺ عذر خواهی کسی که معذرت خواهی می‌کرد را می‌پذیرفت لکن ما برخی از قضایای جزئی را با پرونده سازی‌های آنچنانی قطور و طولانی می‌کنیم و لذا نوبت رسیدگی به برخی از دعاوی نوبت‌ها طولانی می‌شود پیامبر مهربان ما در آن زمان برای گرفتاری هواپرستی ما گریه کردند وقتی از آن بزرگوار پرسیدند که چرا گریه می‌کنید فرمود: به خاطر آنچه که بعد از من بر امت نازل می‌گردد و آن هوی پرستی و قطع رحم و



علاقمندی به مال و ثروت و نیز بدعت گذاری است! که  
امروز وقتی دقت می‌کنیم به بسیاری از آنها گرفتاریم.

## ۸. او متواضع بود:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ، يُجِيبُ دَعْوَةَ الْحُرِّ وَالْعَبْدِ<sup>۱</sup>

دعوت آزادگان و بردگان را می پذیرفت.

او که خلاصه همه انبیاء بود و او که اولین فرد ممتاز عالم از جنس بشر بود و او که خدای خالقش در تعریفش فرمود: لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ<sup>۲</sup> اگر تو نبودی عالم را نمی آفریدم آنقدر متواضع بود که خواستند در سلام کردن بر او سبقت بگیرند ولی حتی یکبار موفق نشدند یعنی زودتر از هر کسی به مردم سلام می کرد و گفته اند که يَمْرُؤٌ عَلَى الصَّبِيَّانِ وَ يُسَلِّمُ عَلَيْهِمْ<sup>۳</sup> به کودکان که می رسید

۱. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص: ۲۲۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص: ۴۰۶.

۳. محجه البيضاء، ج ۴.

بر آنها نیز سلام می‌کرد و در هنگام سخن گفتن تبسمی  
ملیح بر لبان مبارکش بود.

دور نمای چهره پیامبر این الهام ضمنی را به همراه  
دارد که آن چهره مشعشع تابان که دیدنش آروزی همه  
بود جاذبه‌ای قوی برای اهل فطرت پاک داشت.

او گاهی که صلاح می‌دید شوخی و مزاح می‌کرد ولی  
در شوخی بناحق چیزی نمی‌گفت و می‌فرمود: **إِنِّي لَأَمْزَحُ**  
**وَلَا أَقُولُ إِلَّا حَقًّا؛**<sup>۱</sup> من شوخی می‌کنم ولی در شوخی جز  
حق چیزی نمی‌گویم.

**ولی ما:** به هر دلیلی بر دیگران تکبر می‌کنیم با داشتن  
اندکی علم یا اندکی ثروت و یا قدری مقام و یا مقداری

درجه و نفوذ، دیگران را زیر دست خود دانسته و با دید  
ذلت به دیگران و عزت نسبت به خویشان نگاه می‌کنیم.

کامل فلاماریون می‌گوید:

ما نباید از اعتراف به انحطاطی که دامن ما را گرفته  
است شرم کنیم، زیرا ما خودمان به این عقب‌گرد اخلاقی  
راضی شده‌ایم، تمام توجه ما به منافع شخصی و اغراض  
ذاتی خویش است! مگر بهره‌ها از زندگی فقط جمع  
آوری و ثروت شخصی نیست؟! بدون اعتناء که به راه  
جمع کردن ثروت، کار می‌کنیم و عظمت خود را از راه  
زورگوئی به دیگران کسب می‌نمائیم.<sup>۱</sup>

تکبر صفت رذیله‌ای است که به دلیل ذلتی ایجاد می‌شود  
که انسان در وجود خودش احساس می‌کند یعنی متکبر

---

<sup>۱</sup> اسلام و تمدن جدید ص ۲۷۵

می خواهد با تکبر و فخرفروشی جبران ضعف درونی خود را بنماید: مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لَذَلَّةٍ وَجَدَهَا فِي نَفْسِهِ؛<sup>۱</sup> هیچ کس تکبر و فخر فروشی نمی کند مگر به خاطر آن ذلتی که در خودش احساس می کند. و ما بدلیل دوری از معارف اسلام و جدائی از سنت و سیره رسول الله گرفتار خود بزرگ بینی می شویم.

کبر از اوصافی است که حضرت موسی کلیم الله از کسانی که دارای آن صفت هستند به خدا پناه می برد. وَ قَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ مِّنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ.<sup>۲</sup>

متکبران قلب های بسته نفوذ ناپذیری دارند: كَذَلِكَ

۱. کافی، ج ۲، ص: ۳۱۲.

۲. سوره غافر، ۲۷.





يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُّتَكَبِّرٍ جَبَّارًا؛<sup>۱</sup> اینگونه خدا بر  
دل هر متکبر جباری مهر می‌نهد.

افرادی در جامعه ما زندگی می‌کنند که گرفتار مشکلات  
عدیده زندگی‌اند و توان مدیریت زندگی خود را ندارند  
ولی به دلیل صفت تکبر نه حاضرند با مشاوره به شور  
بنشینند و نه حاضر هستند از دستورات دین در رفع مشکلشان  
کمک بگیرند و شاید در نهایت حاضر به خودکشی بشوند  
لکن به پرسش و سؤال هرگز!! اینچنین کسانی علاوه بر  
تکبر، ظالم و ستمگر هم هستند و فرعون کوچکی در میان  
خانه می‌باشند!.

## ۹. او عادل بود:

كَانَ النَّبِيُّ ﷺ أَعْدَلَ النَّاسِ<sup>۱</sup>

رسول خدا عادل ترین مردم بود.

عدل و انصاف دو صفت پسندیده‌اند که از درخت ایمان چیده می‌شوند و پیامبر بزرگوار اسلام که مؤمن‌ترین مؤمنان به خدا می‌باشد به یقین عادل‌ترین هم هست، قرآن کریم می‌فرماید سخن به عدالت و میانه‌روی و انصاف بر زبان برانید: **وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا**<sup>۲</sup> و هنگامی که سخن می‌گوئید عدالت را رعایت نمائید.

- او که در نگاهش به شخص گوینده با تمام چهره می‌نگرد و آنچنان سخن او را گوش می‌دهد که عده‌ای می‌-

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص: ۲۲۶.

۲. انعام ۱۵۲



گویند او فقط گوش است و خدا این خصیصه او را مهر تائید می‌زند يَقُولُونَ هُوَ أذُنٌ قُلُّ أذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ: می‌گویند او سراپا گوش است. بگو گوش دادن او به نفع شماست. او که در تقسیم وقت خود در زندگی شخصی‌اش آنچنان به عدل رفتار می‌کند که زبانزد همگان می‌شود و او که خودش ناشر فرمان خداست که می‌فرماید: اِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى: عدالت پیشه کنید که آن به تقوای الهی نزدیک‌تر است. یقیناً خود علاوه بر ناشر بودن عامل نیز هست.

ولی ما: با ظلمی که به خود و دیگران می‌کنیم جامعه-ای معیوب ساخته‌ایم، از آن جاذبه‌هایی که باید در بازار مسلمین و جامعه مسلمانان برای دعوت به اسلام و سیره محمد صلی الله علیه و آله و سلم باشد خبری نیست، و فریاد عدالت خواهی در



جای جای قرآن بلند است لکن در جامعه مسلمانان شیوه‌های شیطانی رایج شده است، سید جمال الدین اسدآبادی گفت: به غرب رفتم اسلام بود ولی مسلمانی ندیدم و به مشرق زمین آمدم مسلمان فراوان دیدم از اسلام کمتر شنیدم. او که یک درد آشنای مسلمان و یک عالم دلسوزی است نمی‌خواهد آبروی اسلام را ببرد بلکه می‌گوید اسلام یعنی محکم کاری، دقت، انصاف و اینها در غالب صنایع غربی به چشم می‌خورد ولی در صنایع کشورهای اسلامی کمتر دیده می‌شود واقعاً دردی جانکاه است که غریبه‌های بیگانه از اسلام برای صنعت ما اهمیت و ارزشی قائل نباشد ولی ما به کار آنها اطمینان داشته باشیم پس با صراحت باید گفت: آنان مسلمانند و ما با نام اسلام زندگی می‌کنیم.

ویل دورانت می‌گوید: بی‌شرافتی و خیانت، همراه تمدن تولید می‌گردد زیرا در این هنگام است که تردستی و چابکی مورد ستایش قرار می‌گیرد و چیزهای دزدیدنی فراوان می‌شود. آری اگر بشر عصر حجر با دزدیدن مختصری گوشت شکار از هم‌نوع خود قانع بود و چند روزی را با خاطر آسوده غذای خود را می‌خورد بشر متمدن امروز که اخلاقی کنترل نگردیده ناگزیر است دست به هرگونه خیانت و دزدی بزند و فکر خود را برای تکمیل کار خود مصرف نماید.<sup>۱</sup>

ظلمی که امروز از سوی دولت‌های زورگو به مردم می‌شود و عده‌ای که می‌توانند فریاد بر آورند با محافظه کاری خاموش به کنجی خزیده‌اند چیزی است که روح رسول الله را آزار می‌دهد ظلم ستیزی که از دستورات دین

---

<sup>۱</sup> اسلام و تمدن جدید ص ۲۰۹

مبین ماست و در جامعه کمرنگ شده و در نتیجه بسیاری از مسلمانان امروز اعوان الظلمه و کمک‌کاران به ستمگران شده‌اند و در قیامت در پیشگاه آن پیغمبری که فرمود: هرگاه روز قیامت شود منادی صدا می‌کند کجایند یاران ستمگران و کسانی که برای آن‌ها دواتی را آماده کرده یا کیسه‌ای را برای آن‌ها بستند یا قلمی را برای آن‌ها تراشیدند این یاوران را با خود ستمگران محشور کنید.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> بحار ج ۷۵ ص ۳۷۲

## ۱۰. او با حیاء بود:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَعْفَى النَّاسِ<sup>۱</sup>

رسول خدا عقیف و با حیاءترین افراد بود.

او که بنده خالص خدا بود بدلیل معرفتش به خداوند  
 اهل عفت و حیاء بود، اقوام و بستگانش را نیز جمع کرده و  
 به آنها دستور عفاف و پاکی می‌دهد و آنان را از عذاب  
 الهی می‌ترساند و او در کلامش می‌گوید: خدا به بنده‌ای  
 زینتی بهتر از پاکدامنی در دین وعده نداده است.<sup>۲</sup>

همچنین می‌فرمایند: با ناموس مردم با عفت باشید تا با  
 ناموستان با عفت و حیاء رفتار نمایند.

۱. مجله، ج ۴، ص: ۱۲۳.

۲. نهج الفصاحه، ج ۱، ص: ۳۳۹.

و نیز همان بزرگوار فرمود: العِفَافُ زِينَةُ النِّسَاءِ<sup>۱</sup> زیور و زینت زنان همانا عفت و پاکدامنی است.

در کلام آن بزرگوار چیزی که تمامی اش نیکوئی و خوبی است همانا شرم و حیاء می باشد که فرمود: الْحَيَاءُ خَيْرٌ كُلُّهُ<sup>۲</sup> حیاء همه اش خیر و خوبی است.

حیاء و شرم فقط مربوط به زنان و رعایت عفاف از سوی آنان نیست بلکه برای همه و در تمامی ابعاد زندگی اعم از زن یا مرد این صفت جزء صفات حمیده به حساب می آید. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در زمانی که کسی در محضرش بود لباسش را از تن بیرون نمی کرد، چنین کسی می تواند مردم را به حیاء دعوت کند که ابوطالب از او

۱. نهج الفصاحه، حدیث: ۲۰۰۸.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص: ۱۶۸.



خواست که لباسهایش را بیرون آورده و بخوابد و حضرت این خواسته را نمی‌پسندید و در عین حال نمی‌خواست سخن ابوطالب را رد کند لذا از او درخواست کرد صورتش را برگرداند، ابوطالب از این سخن کودک در شگفت شد زیرا در آن روزگار حتی مردان بزرگ بدن و عورتشان را بعضاً از چشم دیگران نمی‌پوشانیدند.<sup>۱</sup>

آن بزرگوار درباره صفات افراد عاقل فرمود: لَا يُفَارِقُهُ الْحَيَاءُ؛<sup>۲</sup> ویژگی عاقل این است که هرگز حیاء را از دست نمی‌دهد و حیاء را از خودش جدا نمی‌کند.

**ولی ما:** حیاء از خداوند و حیاء از خود شخص پیامبر ﷺ و نیز حیاء از اولیاء و ائمه را فراموش کرده و

۱. مجموعه آثار مطهری، ج ۲، ص: ۲۵۲.

۲. بحار ج ۱، ص: ۱۲۹.

کارهائی که مایه عزت و سربلندی دین و رهبران دینی می باشد را کمرنگ کرده ایم، بازاری صد در صد دینی و اسلامی نیست، دروغ گفتن و قسم خوردن و غش در معامله در میان ما رایج شده است، حجاب و عفت، غیرت و جوانمردی جای خودش را با خدعه و نیرنگ عوض کرده است.

حیاء و ایمان لازم و ملزوم یکدیگر هستند یعنی هر جا از ایمان خبری هست از حیاء نیز خبری است و هر آن کس که فاقد ایمان باشد فاقد حیاء و عفت نیز خواهد بود که فرموده اند: لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ. کسی که حیاء ندارد در حقیقت ایمان ندارد.

آری در کشور رسول خدا ﷺ بیش از سایر کشورها لوازم آرایشی مصرف می شود این دلیل کمال بی حیائی

است، وقتی کشور پیامبر آمار طلاقش رتبه چهارم باشد از روحیه بی‌مبالاتی و بی‌حیائی مردم حکایت می‌کند، از دیگرانی که خود را در امت پیامبر آخر الزمان نمی‌دانند توقعی نیست ولی از امت آخر الزمانی که خود را طرفداران پیغمبر آخر الزمان به حساب می‌آورد این آمارها، زشت و قبیح و دلیل بی‌حیائی است. زیرا همان پیامبر آخر الزمان فرمودند: شِرَارُ نِسَائِكُمُ الْمُعَقَّرَةُ الدَّنِسَةُ اللَّجُوجَةُ الْعَاصِيَةُ؛ بدترین زنان شما زن ناپاک و لجباز و سرکش است.<sup>۱</sup>

خرافه پرستی، بی‌بندوباری، بی‌حیائی رقص و آوازه خوانی در کشور پیامبر ﷺ و در جلسات خوشگذرانی و عروسیها همه و همه دلیل بی‌حرمتی یک امتی نسبت به رهبرش می‌باشد که در جوامع اسلامی ما به چشم می‌خورند

---

۱. وسائل الشیعه، ۲۰، ص: ۳۴.



اینها و دهها مورد دیگری که از معارف دینی فاصله دارند از جمله همان بی حیائی‌های جامعه ما می‌باشد.

## ۱۱. او دشمن شناس بود:

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ

اموالتان را بدست سفهاء و فرومایگان نسیارید

سفارشات رسول خدا ﷺ در امور اقتصادی جامعه

دینی این بود که:

۱- مال و ثروت تنها در دست ثروتمندان نباشد: كَيْ لَا

يَكُونَ دُولَةٌ بَيْنَ الْأَعْيَاءِ.<sup>۲</sup>

۲- جامعه ظلم نکند و ظلم نپذیرد. لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا

تُظْلَمُونَ.<sup>۳</sup>

۳- در کارها با یکدیگر مشورت کنند: وَ أَمْرُهُمْ شُورَى

بَيْنَهُمْ.<sup>۱</sup>

---

۱. سوره نساء، ۵.

۲. سوره حشر، ۷.

۳. سوره بقره، ۲۷۹.

۴- راه نفوذ بیگانگان را بر خود باز نکنند: لئَلَّا يَكُونَ  
لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ.<sup>۲</sup>

یعنی خودکفا باشید تا دیگران نتوانند با منت به شما  
نعمتی بدهند! و در نتیجه شما ذلیل و زیردست دیگران  
باشید و همچنین گاهی با روشنفکرنمائی راه را بر دشمنان  
قسم خورده باز نگذارید تا در مقابل کفر جهانی مجبور  
به تسلیم بی چون و چرا نشوید.

۵- در مقابل مخالفان متجاوز آمادگی رزمی داشته  
باشید تا به فکر حمله و تهاجم به شما نشوند: وَ أَعِدُّوا  
لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ...<sup>۳</sup>

۱. سوره شوری، ۳۸.

۲. سوره بقره، ۱۵۰.

۳. سوره انفال، ۶۰.

۶- از مکر و حيله‌ی دشمنان آگاه باشید که می‌خواهند

شما:

الف: در سختی باشید: وَدُّوا مَا عَتَبْتُمْ<sup>۱</sup> مبتلا و گرفتار

رنج و بلا باشید.

ب: غافل باشید: وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ

أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ<sup>۲</sup> از امکانات دفاعی خود غافل باشید.

اینها و صدها سفارش دیگر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دلیل بیداری و

بیدارگری آن حضرت برای مسلمانان می‌باشد.

۷- او از دشمن نمی‌هراسید: لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ<sup>۳</sup> مؤمنان

از ملامت و سرزنش دشمنان نمی‌ترسند.

۱. سوره آل عمران، ۱۱۸.

۲. سوره نساء، ۱۰۲.

۳. سوره مائده، ۵۴.

۸- او با خرافات مبارزه می‌کرد: وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ: ا قید و بندهای نابجا را از مردم بر می‌داشت.

**ولی ما:** دین خدا و سنت پیامبر خدا را با خرافات آمیخته کرده‌ایم و بیش از آنچه به اصل واجبات و محرمات دینی پردازیم به سحر و جادو و خرافه و فال دلخوش کردیم و طالع بین‌های دروغگو را نجات دهنده خود قرار دادیم.

در سیاست خارجی به جای اینکه اسطوره‌های شجاعت کشورمان که در عصر بزرگترین کار یعنی هشت سال دفاع و هشت سال مقاومت انجام دادند را به دنیا معرفی کنیم قصه مبالغه آمیز رستم و اسفندیار را با آب و تاب تعریف



کرده و از بیان شجاعت‌های شجاعان غیور کشورمان چشم پوشی نموده‌ایم. در روابط اجتماعی به جای استقلال رای، راه نفوذ بیگانگان را به روی خویش باز کرده و بجای بالیدن به فرهنگ اسلام فرهنگ بی‌فرهنگ‌ترین‌های عالم را به رخ کشیدیم و از دنیای غریبه تعریف کردیم در اسم گذاری فرزندانمان در نوع زندگی خانوادگی روش غریبه‌های غربی را در پیش گرفتیم.

در معاملاتمان با غش در معامله و تقلب و اجناسی سست و بی‌اساس آبروی دین و رهبر دینمان را وجه المصلحه جیب خودمان قرار دادیم.

## ۱۲. او پیشوای ورع پیشگان بود:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا أَبَا ذَرٍّ أَصْلُ الدِّينِ الْوَرَعُ وَرَأْسُهُ الطَّاعَةُ<sup>۱</sup>

اساس و ریشه دین پارسائی و سر آغاز آن فرمانبرداری است

در سخنی دیگر آن بزرگوار به ابوذر می فرماید: ای اباذر!

کسی از متقین به حساب نمی آید مگر آن که از نفس خود

حسابرسی کند سخت تر از آنچه شریکی از شریک خود

حسابرسی می کند. تا بداند که غذایش از کجا آمده؟ پوشاکش

از کجاست؟ آیا حلال است یا حرام؟!

ای اباذر کسی که پروا ندارد که مال خود را از چه

راهی به دست آورد خدای عزوجل نیز پروائی ندارد که

از چه راهی او را به دوزخ برد.

ورع و رعایت پیامبر اسلام موضوعی نیست که قابل  
 شمارش و یا لازم به ستایش باشد او الگوی همه انسان‌های  
 پارسای عالم و حجتی برای دیگر پیشوایان دینی می‌باشد  
 آن بزرگوار در ماجرائی قول داد که با چوپانی در مزرعه-  
 ای که تعیین کردند فردا گوسفندانشان را برای چریدن  
 ببرند و فردا که پیامبر زودتر می‌رسد گوسفندان را به آن  
 مرتع نمی‌برد بدان دلیل که شریکش هنوز نرسیده و  
 قولشان این بوده با یکدیگر شروع به چرانیدن گوسفندان  
 کنند، چنین شخصیتی می‌تواند الگوی عالمیان باشد چنین  
 کسی آنقدر مقام و محبوبیت پیدا می‌کند که برای گرفتن  
 قطرات آب وضویش از یکدیگر سبقت می‌گیرند و موی  
 سر و صورتش را به تبرک بر می‌دارند.



ولی ما: با یدک کشیدن نام دین به صورت مقطعی دینداریم گاهی که از دین به دنیا و درآمد آن می‌رسیم دین داریم و اگر دستور شرع و دین در آمد ما را حرام اعلام نمود با او فاصله می‌گیریم در بازارمان ربا و غش در معامله و تقلب رواج دارد و نماز اول وقتمان هم ترک نمی‌شود. ماه رمضان و شب احیاء و شب‌های قدر را پاس می‌داریم ولی بعد از آن در عروسی دختر یا دامادی پسرمان تمام معیارهای شرعی را نادیده گرفته آزاد آزاد می‌شویم.

در جلسه گفتگوی ازدواج که سخن از مهریه به میان می‌آید اول صورت جلسه یک جلد کلام الله مجید است ولی پس از آن سکه‌ها به اندازه سال تولد یا شماره شناسنامه یا پلاک ماشین! یا هر چیز دیگری غیر از مهرالسَّنه حضرت زهرا (علیها السلام) و

پس از این‌ها جلسه عروسی و عدم رعایت محرم و نامحرم و پس از همه اینها برای نام گذاری فرزندانمان از دنیای غریبه‌ها و نام و نشان قرض می‌کنیم گویا خودمان نه فرهنگ داریم و نه رهبر و نه نام و نشان!

در ازدواج‌ها به نحوه‌ای عمل می‌شود که از همان اوان زندگی تصمیم بر طلاق یا به صورت قهری و یا به نحوه توافقی از یکدیگر جدا بشوند و آمار جدا شدن مردان و زنان در کشور رسول خدا صلی الله علیه و آله شرم آور است همه اینها و صدها نمونه دیگر دلیل عدم رعایت ورع و تقوا از ناحیه ما مسلمانان است.

برخی از صنعتگران به وعده‌ای که می‌دهند عمل نکرده و در ساخت صنایع نیز سعی و دقت نمی‌کنند، امت پیامبری که در چیدن سنگ لحد و درست کردن قبری از قبرستان



مسلمانان محکم کاری و دقت به خرج می دهد باید امتش  
در صنعتی که تولید می کند حرف اول محکم کاری را بزند  
ولی ما اینچنین نیستیم.

### ۱۳. او ساده زیست بود:

وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَفِيفُ الْمَوْنَةِ:

رسول خدا ﷺ کم خرج و ساده زیست بود.

انس می گوید: مدت‌ها در خانه پیامبر و در جوار آن بزرگوار بودم هرگز از غذایی که میل نداشت مذمت نمی‌کرد، در کنار نعمت‌های خدا قیافه متکبرانه‌ای نمی‌گرفت و همواره شکر گذار نعمات بود در حال سواره بودن به پیاده‌ای که بدنالش باشد اجازه نمی‌داد و می‌فرمود یا جلوتر برو و یا بمان بعداً بیا یا دو نفری سوار مرکب شویم در مورد درخواست برخی از همسران خودش که تقاضای غنائم داشتند و از زندگی ساده خود گلایه می‌کردند می‌فرمود: این زندگی ساده را من انتخاب کرده‌ام شما اگر مایلید بسازید و گرنه با طلاق شما را آزاد می‌کنم تا به دنیای

مرفهی برسید، یک روز که به خانه دخترش فاطمه آمد و پرده‌ای رنگارنگ را آویزان دید برگشت. فاطمه متوجه قضیه شد و بلافاصله پرده با دستبندی که بدست کرده بود را به محضر پدر فرستاد و پیغام داد هر جا که صلاح می‌دانید به مصرف برسانید رسول خدا که زیرکی و خداترسی دخترش را دید گفت: فداها ابوها؛ پدر فدایش، او دست کارگری که از فرط کار درشت شده بود را بوسه زد.

**ولی ما:** در تصرف در اموال شخصی یا بیت المال طلبکارانه برخورد می‌کنیم و در مصرف آن اسراف و زیاده روی می‌کنیم، در حالی که بسیاری از افراد فقیر نیازمندند، در ضیافت‌ها و میهمانی‌ها غذای فراوانی را به دور می‌ریزیم. برای ختم مرده‌هایمان بساط میوه‌های الوان و گهگاهی شیرینی‌های خاصی می‌آوریم و بر سفره‌ها یا





میز سالن‌ها و تالارها اسراف‌های آنچنانی می‌کنیم مرحوم  
 شیخ محمدتقی بهلول وقتی در قم برای منبر دعوت شده بود  
 به محض اینکه بر بالای منبر مستقر شد گفت جعبه‌هایی  
 بیاورید و این میوه‌ها را صندوق صندوق به محله فقیر  
 نشین شهر ببرید و تقسیم کنید که من شروع به سخن کنم!  
 همه ما در مجالسی که اسراف شده شرکت کرده‌ایم و  
 نوعاً تذکر نمی‌دهیم، آیا این سیره با سیره پیامبرمان که  
 خفیف المؤمنه است و ریزه نان کوچه را بر می‌دارد و  
 گرد آن را گرفته می‌خورد یکی است؟!!

اصلاً در این جهان پهناور با این همه نعمت سزاوار است  
 که عده‌ای از زیاد خوردن مریض و عده‌ای از گرسنگی  
 بمیرند؟

رسول خدا ﷺ که می‌فرماید وای بر کسی که سیر  
 باشد و در همسایگی‌اش سر گرسنه‌ای ببالین گذاشته شود



امتش باید چگونه زندگی کنند آیا سزاوار است که بوی  
غذای خانه مسلمانی همسایه فقیر و کودکان آنان را آزرده  
خاطر کند؟!

در مکتب نبی مکرم اسلام آمده است که اگر حقوق  
الهی که خداوند در اموال مردم قرار داده است پرداخت  
شود یعنی اگر خمس و زکوه و کفارات پرداخت شود  
هیچ فقیری در روی زمین نمی ماند امیرمومنان فرمود: ما  
رَأَيْتُ نِعْمَةً مَوْفُورَةً أَلَّا وَالِی جَانِبَهَا حَقٌّ مُضِیْعٌ: هیچ گاه  
اموال و نعمت های فراوانی ندیدم مگر این که در کنارش  
حقی ضایع شده دیدم یعنی مقداری از ثروت های ورم کرده  
یک عده از سرمایه گذاران بی ملاحظه مربوط به فقرائی است  
که سهم شان از این پول پرداخت نشده است.

**بخش دوم**

**اسلام از دیدگاه اندیشمندان**

## خدا از دیدگاه اندیشمندان جهان

خدا، خدای همه است و کتابی که خدا معرفی می‌کند مستندترین کتاب است بد نیست نظر اندیشمندان جهان درباره خدا را بشنویم و اندکی به خود آییم که به کجا می‌رویم!؟

۱- جوهانس اسکوتس اریجینا فیلسوف ایرلندی می‌گوید:

خدا جوهر همه اشیاء است و هیچکس قادر نیست او را مستقیماً بشناسد ما باید خدا را توسط کتب مقدس بشناسیم و چنانچه عقل مخالفت کرد اعتنایی به آن نکنیم.

۲- رومین انگلیسی می‌گوید:

وجود دنیا بدون صانع غیر قابل فهم است.<sup>۱</sup>

۳- لورد بزرگترین عالم فیزیک جهان می‌گوید:

---

۱. تاثیر اسلام در اروپا، ص: ۱۵.

اگر نیکو بیندیشید علم شما را ناچار از آن خواهد کرد  
که به خدا ایمان داشته باشید و من باید اظهار کنم که با  
این گفته کمال موافقت را دارم.<sup>۱</sup>

۴- نیکلا دومالبرانش فیلسوف فرانسوی:

هیچ علتی را به جز خدا قبول ندارد و اراده بشر را بی فایده  
می داند و می گوید: هیچ چیز بدون اراده خدا انجام نمی شود.<sup>۲</sup>

۵- جوزف ارنست رنان فیلسوف فرانسوی:

مذهب مادینی به زودی مضمحل می شود و خداپرستی  
جای او را اشغال می کند.

۶- اگوست سباتیه:

چگونه خدا را پرستش نکنم و حال آنکه در فطرت من  
و مزاج من آثار توحید نمایان است.

---

۱. تاثیر اسلام در اروپا، ص: ۱۶.

۲. تاثیر اسلام در اروپا، ص: ۱۶.

۷- موریس میترلینگ؛ شاعر و نویسنده و درام نویس و

فیلسوف و محقق بلژیک:

محال است که نوع انسان بتواند به خدا معتقد نشود و من  
از گفته بعضی بزرگان کلیسا حیرت می‌کنم که می‌گویند متر  
لینگ به خدا معتقد نیست من آن خدایی را ستایش می‌کنم  
که با عقل و چشم و گوش به بزرگی او نمی‌توان پی‌برد  
آنچه به نظر از آن خدا بزرگتر نیست باز هم خدا بزرگتر  
از آن است.

۸- نوئل کانت فیلسوف آلمانی:

وجود حس دینی بشر دلیل بر وجود خدا می‌باشد.

۹- انیشتین بزرگترین متفکر و فیزیکدان آلمانی:

انتقال حس دینی از فردی به فرد دیگر دلیل بر وجود خدا

می‌باشد.

۱۰- اپیکت فیلسوف یونانی:

اعتقاد به خدا واجب است همانند نفس کشیدن مداوم  
و مستمر.

۱۱- بنر پاسکال، طبیعی دان، فیلسوف و نویسنده فرانسوی:

هیچ کس غیر از خدا شفا دهنده و آرام بخش خاطرها  
نیست.

۱۲- آلفونی لویی دولا مارتین شاعر و نویسنده فرانسوی:

قلبی که خدا در آن نباشد همانند دادگاهی است که  
قاضی در آن نباشد.

۱۳- سرویلیام هرشل منجم معروف آلمانی:

هر اندازه دایره عالم وسیع تر گردد براهین دندان شکن و  
قوی تری برای وجود خداوند ازلی و ابدی بدست می آید.

## پیامبر ما از دیدگاه اندیشمندان جهان

البته این مطلب را نباید انکار کرد که پیامبر ما با آنان یکی است یعنی رسم خدا برای هدایت همه بشریت است و خلاصه همه پیامبران قبل از خود می‌باشد این که می‌گوییم پیامبر ما به معنی این است که مسلمانان عالم آن حضرت را پیامبر خودشان می‌دانند حال بینیم که او در میان اندیشمندان معروف جهان چه جایگاهی دارد و ما چقدر قدردان این جایگاه هستیم؟

### ۱- دایرت المعارف بریتانیا چاپ یازدهم:

محمد از همه پیامبران و شخصیت‌های دینی بیشتر موفق بوده است.

### ۲- برنارد شاو:

من راجع به مذهب محمد پیشگویی می‌کنم که این مذهب را اروپای فردا خواهد پذیرفت همان طوری که



این مذهب به نظر اروپایی‌های امروز قابل قبول گردیده است من اعتقاد دارم که اگر مردی مانند پیامبر دیکتاتوری دنیای جدید را بدست گیرد می‌تواند مسائل این جهان را چنان حل کند که آن صلحی که دنیا به آن نیازمند است تامین می‌شود.

### ۳- مستر جون فقرات انگلیسی:

محمد بزرگترین خیر خواهان نوع بشر است و ظهور محمد نشانه یکی از عالی‌ترین عقول در تمام عالم می‌باشد و اگر آسیا بخواهد به فرزندان خود افتخار کند سزاوار است که به این راد مرد بزرگ و بی‌مانند بر جهان افتخار نماید البته یکی از ظلم‌های شدید است اگر بخواهیم حق بزرگواری این مرد را ادا نکنیم.

### ۴ - ولتر دانشمند معروف فرانسوی :

ولتر لیاقت ندارد که بند کفش محمد را بگشاید.

## قرآن از دیدگاه آنان

باز همان توضیح لازم است که بگوییم قرآن نیز مانند خدا و پیامبر منحصر به ما نیستند بلکه برای تمامی بشریت نازل شده و در حقیقت قانون اساسی کل بشریت است در اینجا می‌خواهیم داشته‌های خود را از زبان غریبه‌ها بشنویم تا بلکه به غیرتمان برخوردی قدری قدرشان را بدانیم.

### ۱ - استاد سنایس:

بی گمان قرآن همان قانون همگانی و کاملی است که باطل در آن راه نداشته و ندارد... بنابر این قرآن شایسته برای هر زمان و مکانی می‌باشد و اگر مسلمانان چنان که سزاوار او است به آن تمسک شود به تعالیم و احکامش عمل نمایند امروز نیز آقای همه جهانیان خواهد شد همچنانکه در گذشته بوده است.

۲- ناپلئون بنا پارت پس از مطالعه قرآن کریم می گوید:

امیدوارم آن زمان دور نباشد که من بتوانم همه دانشمندان و تحصیل کرده گان همه کشورها را با یکدیگر متحد کنم و نظام یکنواختی را فقط بر اساس اصول قرآن مجید که اصالت و حقیقت دارد و می تواند مردم را به سعادت ابدی رهبری کند برقرار سازم.

۳- گوته یکی از مشهورترین نویسندگان آلمانی:

سالیان درازی کشیشان از خدا بی خبر ما را از پی بردن به حقایق قرآن و عظمت آورنده آن محمد صلی الله علیه و آله دور نگهداشته اند اما هر قدر که ما قدم در جاده علم و دانش گذاریم پرده جهل و تعصب نا به جا را دریده ایم و عنقریب است که این کتاب (قرآن) توصیف ناپذیر عالم را به خود

جلب نموده و تاثیر عمیقی در علم و دانش جهان گذاشته و عافیت محور افکار جهان گردد<sup>۱</sup>.

#### ۴- سروین ویلیام آمریکایی:

قرآن کتابی است دارای دلایل سرشار و براهین بی شمار بر وجود خدا و راهنمایی است بر عظمت آفریننده بی همتا.

---

۱. تاثیر اسلام، ص: ۴.

## علم اخلاق پیامبر ما از دیدگاه آنان

اخلاق هر جامعه‌ای معرف آن جامعه می‌باشد ما سابقه علم و اخلاق ریشه داری داریم باید بدانیم که زمانی در اروپا خبری از سواد و علم و در نتیجه اخلاق نبود ولی مثلاً تمامی مردم آندلس با سواد خواندن و نوشتن بودند و کم کم یادگیری و در حقیقت سواد آموزی به ملت اروپا باب شد آن هم نه برای همه بلکه برای عده‌ای از نورچشمی‌های آنجا!

خوب است به سراغ مُطَّلَعان دنیا برویم و ببینیم آنها درباره سابقه علم و اخلاق مسلمانان چه می‌گویند.

### ۱- جان دیون پورت:

می‌توان گفت هیچ ملتی قبل از مسلمانان وجود نداشته که برای کتب علمی از آغاز تا انجام به اندازه مسلمانان

احترام قائل شده باشد و مردم را تحریص به آموختن علم و دانش کند از ساعت دخول در دنیا تا آخر عمر. به گونه‌ای که مقام علم و دانش را آنقدر بالا برده‌اند که معتقداند: مُرکّب قلم دانشمندان از خون شهداء برتر است. همه می‌دانند که بیشتر از ششصد سال صنایع و سایر علوم در میان اعراب رونق بسزایی داشت در صورتی که میان ما اروپاییان وحشی‌گری خشن و زننده، حکومت می‌کرد و شعله ادبیات به کلی خاموش و منتفی شده بود.

## ۲- موشیم:

باید قبول کرد که کلید علوم اعم از فیزیک، هندسه، نجوم، فلسفه و ریاضیات که از قرن دهم به بعد در اروپا رونق گرفت اصولاً مأخوذ از مدارس اعراب است به

همین خاطر اعراب اسپانیا را باید پدران فلاسفه اروپا دانست.

۳- پرفسور ه-ا-ر-کیپ:

اسلام است که می‌گوید جهان بر چهار پایه تکیه دارد ۱- علم دانشمندان ۲- قضای بزرگان ۳- نماز پاکان ۴- دادرس شجاعان.

۴- دکتر آکسین کارل:

تز اخلاق اگر بدون مذهب باشد شکست خورده است و تهذیب اخلاق بدون ایمان به خدا محال است.

## کتاب و قلم ما از دید گاه آنان

قلم و کتاب معرفت فرهنگ هر جامعه‌ای است که تمدن علمی و درسی و فرهنگی دارد که آن را بوسیله همین قلم و کتاب به نسل‌های بعد نیز منتقل می‌کند و از ما در این خصوص سابقه‌ای روشن و درخشان داریم. ما ملتی هستیم که دینمان با قرائت «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»<sup>۱</sup> آغاز شده و در دین ما به قلم قسم خورده شده و آغاز قانون اساسی آن یعنی قرآن به کتاب اشاره رفته است «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ». پس بی سابقه نیستیم و نه این که بی سابقه نیستیم که دیگران نیز از ما قرائت و کتابت و قلم را گرفته و به جایی رسیده‌اند.

---

۱. سوره علق، ۱.



خوب است این قسمت را نیز از مُطَّلَعان غیر مسلمان دنیا بشنویم تا برای بعضی‌ها مقبول‌تر افتد.

### ۱- گوستافلوگل خاور شناس فرانسوی :

در آن زمان که هنوز صنعت چاپ رونق نداشت فقط در یک استان قسطنطنیه بیست و یک کتابخانه بود که ۲۷۴۴۵ کتاب داشت.

در مصر و دمشق و حلب و رودس قریب دو هزار و چهارصد مجلد و با این وصف کلیه کتاب‌هائی که از دوره تمدن اسلامی باقی مانده بود به سی هزار مجلد می‌رسید.

کتابخانه‌هائی که قبل از صنعت چاپ توسط مسلمین راه اندازی و اداره می‌شده که برخی از آنها عبارتند از بیت الحکمه در بغداد با چهار میلیون مجلد کتاب و شاهپور در همان بغداد با ده هزار جلد و البته در قاهره و طرابلس و

قرطبه نیز کویای آمار بالائی از کتب اسلامی هستند که به قول جریمی زیدان میلیون‌ها جلد کتاب مفید در کشاکش جنگ‌های قرون مسطی طمع حریق و نابودی گردید. با تأسف باید گفت خلفای اموی با کتاب سرو کار نداشتند و خلفای عباسی هم در شام نبودند و آنان دغدغه‌ای برای حفظ کتب اسلامی نداشتند براساس آمار کتابهای موجود در مخزن کتابخانه مصر قریب به یک میلیون و ششصد هزار مجلد بوده که حاوی علوم قدیمه و فلسفه و هندسه بودند که سوخته شدند و غلامان و بردگان از جلدهای چرمی آنها کفش می‌دوختند!

## ۲- گیون نویسنده رومی:

سه میلیون کتاب آن کتابخانه‌ای که در روم بود را فرنگیان سوزاندند!

### ۳- یاقوت حموی:

خوشحال شد که در گشت و گذار تحقیقی‌اش که به مرو رسید دید ده کتابخانه عمومی در تیر است و رئیس کتابخانه بدلیل شخصیت او اجازه داد که در یک نوبت تا دویست کتاب به منزل ببرد.

### ۴- العزیز بالله:

در کاخ اختصاصی خود کتابخانه‌ای بزرگ دایر کرده آن را خزانه الکتب نامید و برای خریدن کتاب‌های مهم تاریخ ادبی و علمی، اعتبار بسیاری تخصیص داد و اگر یک کتاب صد نسخه یا بیشتر فراهم می‌شد تمام آنها را می‌خرید.

کتبی که از سوی مسلمین ترجمه یا نوشته شده در علوم مختلفی همچون فلسفه و تاریخ و جغرافیا و معماری

ایلامی و هنر و بهداشت و فیزیک و شیمی و ریاضی و پزشکی و داروسازی و کشاورزی و صنعت و اختراعات و اکتشافات بوده است که مرور بر آنها و شنیدن آمار این پیشرفت‌ها از طرفی باعث سر بلندی مسلمانان است و از طرف دیگر مایه تأسف که چرا باید جوانان امروز از این همه بلندی مقام غافل بوده و برای علمی که مورد نیازشان هست چشم‌شان به دروازه‌های اروپا و غرب بدوزند!؟

مایه زهی تأسف و تأثر است که آب حیاتی همچون علوم مختلفه در کوزه خود ماست و ما بی خبر از همه جا تشنه لبان می‌گردیم از اسم دانشمندان خارجی کلاهمان به آسمان می‌رود ولی به علوم دینی که همه علوم جدید و قدیم را در بر می‌گیرد علوم قدیم نام نهاده‌ایم!!

اگر نام پدر علم شیمی جابر بن حیان را بشنویم پرس و جو نمی‌کنیم و به دنبال اینکه او که بود و کجا درس خوانده بود نیستیم ولی وقتی نام الکسیکارل را می‌شنویم سر تا پا گوش و بعضا تسلیم منویات او و امثال او هستیم و همین عقب افتادگی‌هاست که نام روشنفکری گرفته و دنیا را تاریک کرده است.

## اکتشافات و اختراعات مسلمین از دیدگاه آنان

در اوراق قبل به کثرت علوم و دخالت مسلمانان در آن علوم اشاره شد در اینجا بد نیست برای یادآوری به فهرستی از اکتشافات و اختراعاتی که بدست مسلمانان صورت گرفته است اشاره شود:

### ۱- تئوری نور از دیدگاه امام صادق علیه السلام:

این تئوری از سوی شاگردان امام صادق علیه السلام مطرح و در جنگ‌های صلیبی که تماس بین شرق اروپا زیاد شد به اروپا منتقل و در دانشگاه‌های اروپا تدریس شد.

### ۲- پاندول یا قاصدک ساعت:

عرب‌های مسلمان آن را به کار بردند که علاوه بر ساعت در بقیه مسائل نجومی نیز کاربرد دارد.

### ۳- جوهر گوگرد و الکل:

کار برد الکل در مسائل پزشکی و صنعت بر کسی پوشیده نیست که دانشمندی به نام زکریای رازی آن را کشف نمود.

صنایعی از قبیل اسلحه گرم، توپ جنگی، کاغذ، قطب نما، ساعت، مواد نسوز، کشف اتم، ماشین چاپ، هواپیما، اختراع ماشین، آلات جراحی، وسیله آب کردن سنگ کلیه، مواد اتمی و بمب اتم، کشف آمریکا که کریستف کلمب می‌گوید از روی علوم مسلمین توانستم آن را کشف کنم و با استفاده از کتاب ابن رشد به این کار راه پیدا کردم، اختراع شیشه از سنگ و صدها صنعت و اختراع دیگر از فکر مسلمانان متفکر جاری شده است از آن زمان تا کنون کل جهان از آنها و از تبعات آن استفاده می‌کنند ولی متأسفانه امروز یا غافلیم یا در تغافل گدای بیگانگان!

## لیست کتابهای تألیفی

حجت الاسلام والمسلمین سید حسن موسوی خراسانی

عنوان کتاب	موضوع کتاب
از خاک به افلاک ۱	بحث معاد از دیدگاه قرآن
از خاک به افلاک ۲	بحث معاد از دیدگاه روایات
کشتی نجات	زندگانی ۱۴ معصوم
آب و سراب	حسد، بخل، تعصب، تهمت، تکبر و....
انسان	آفات انسانی، وجدان، اعتقاد و عقیده، تفکر و اندیشه و...
مذهب	مذهب شیعه و فرق ساختگی شیخیه، صوفیه، وهابیه
لقمه های حرام	مال یتیم ربا، رشوه، قمار، احتکار و...
نعمه های عقل و عاطفه	حاوی سی بحث اخلاقی مطرح شده در روزهای ماه رمضان
نماز نیاز من	نماز از دیدگاه آیات و روایات
در مسلخ عشق	فلسفه و دلایل قیام امام حسین(ع) و...
بایدها و نبایدها	امر بمعروف و نهی از منکر
بدعت و خرافات	خرافات مرسوم جامعه، خرافات در دیگر کشورها، و...
جوان	جوانان و مسائل مربوط به آنان



مقام و منزلت زن	زنان نمونه، منزلت زن در قرآن، جایگاه زن، زنان دانشمند و...
جلوه های عشق و کمال	قرآن و دعا
معرفت کردگار	برخی از نعمت های خداوند و شناخت ما نسبت به آن
پیام عرش به فرش	قرآن
تضرع فرش به عرش	دعا
پرسیدن عیب نیست ۱	مجموعه پرسش و پاسخ های دانشجویی و دانش آموزی
پرسیدن عیب نیست ۲	مجموعه پرسش و پاسخ های دانش آموزی
هان ای دل عبرت بین	داستانهای عبرت آموز شخصی و عمومی
هر عیب که هست	حُسن دین و عیب ما
الگوهای رفتاری	مبانی و اصول تربیت، عوامل مؤثر در تربیت، مراحل تربیت
حق و حقوق	شناخت الگوهای حق، انواع حقوق و...
خانواده دینی	ازدواج، حقوق متقابل زن و شوهر، دشواری های ازدواج
حکومت حق	بحثی پیرامون امام زمان و حکومت جهانی ایشان
مسجد	فضیلت مسجد، فضیلت اهل مسجد، آداب مسجد و...
رسم دیدار	سفر حج (اموال، احوال، اعمال)
دین	دین کامل، دین از نظر فطری، مشترکات ادیان، ارتداد و...
جامعه دینی	نیاز جامعه به رهبر و قانون، حقوق متقابل و...

ای دعا از تو... (جلد ۱)	شرح دعای امام زمان (عجل ا... تعالی فرجه)
ای دعا از تو... (جلد ۲)	شرح دعای ایام هفته
کلام الامام، امام الکلام ۱	مجموعه چهل حدیث همراه با داستان مربوط به حدیث
کلام الامام، امام الکلام ۲	مجموعه چهل حدیث همراه با داستان مربوط به حدیث
کلام الامام، امام الکلام ۳	مجموعه چهل حدیث همراه با داستان مربوط به حدیث
کلام الامام، امام الکلام ۴	مجموعه چهل حدیث همراه با داستان مربوط به حدیث
هان ای دل عبرت بین	داستانهای عبرت آموز شخصی و عمومی
می گویند، می گویم	پاسخ به شبهاتی که برای تفرقه بین مسلمانان مطرح شده
آنچه خود داشت	دانشمندان و اکتشافات مسلمانان و خدمات اسلام به جامعه علمی بشر
ترک واجب کرده	ترک واجب کرده و سنت به جا آورده ایم
میانہ روی در زندگی	
خطبه مظلوم	گذری گذرا بر خطبه غدیر
حجاب و عفاف	----
آنچه خطیبان می گویند	مجموعه هشتاد موضوع اخلاقی همراه با آیات و احادیث و داستان های مختلف

سروران گرامی می توانند برای دریافت یا سفارش هر کدام از کتب به منظور

استفاده در کتابخانه ها و اهدای هدیه، با شماره تماس ۰۹۳۳۱۱۴۲۶۹۲ یا ۰۷۱

شماره همراه ۰۹۳۳۱۱۴۲۶۹۲ تماس حاصل فرمایند.